

علم أصول الفقه

٣

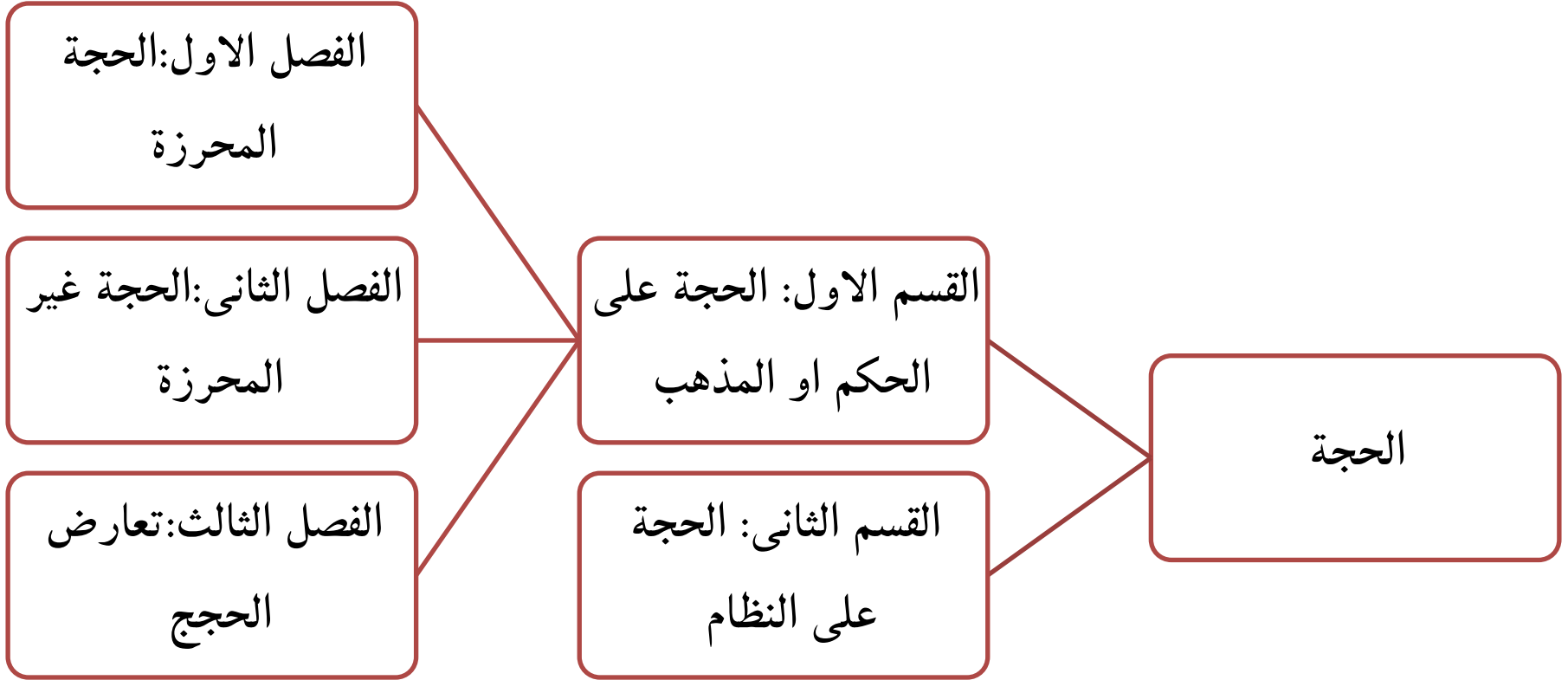
١١-٦-٩٣ اجماع

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

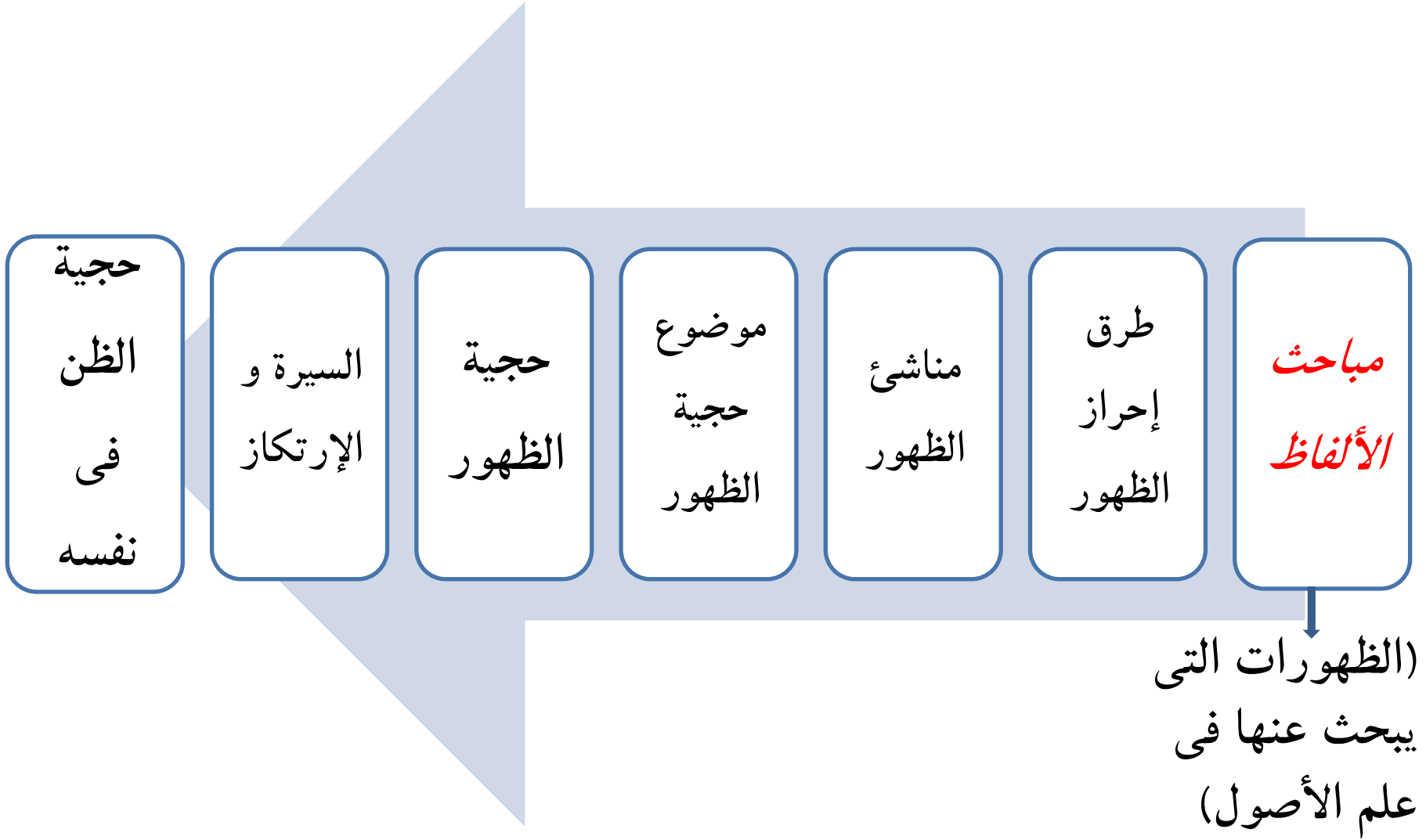
هُدَى اللَّهِ

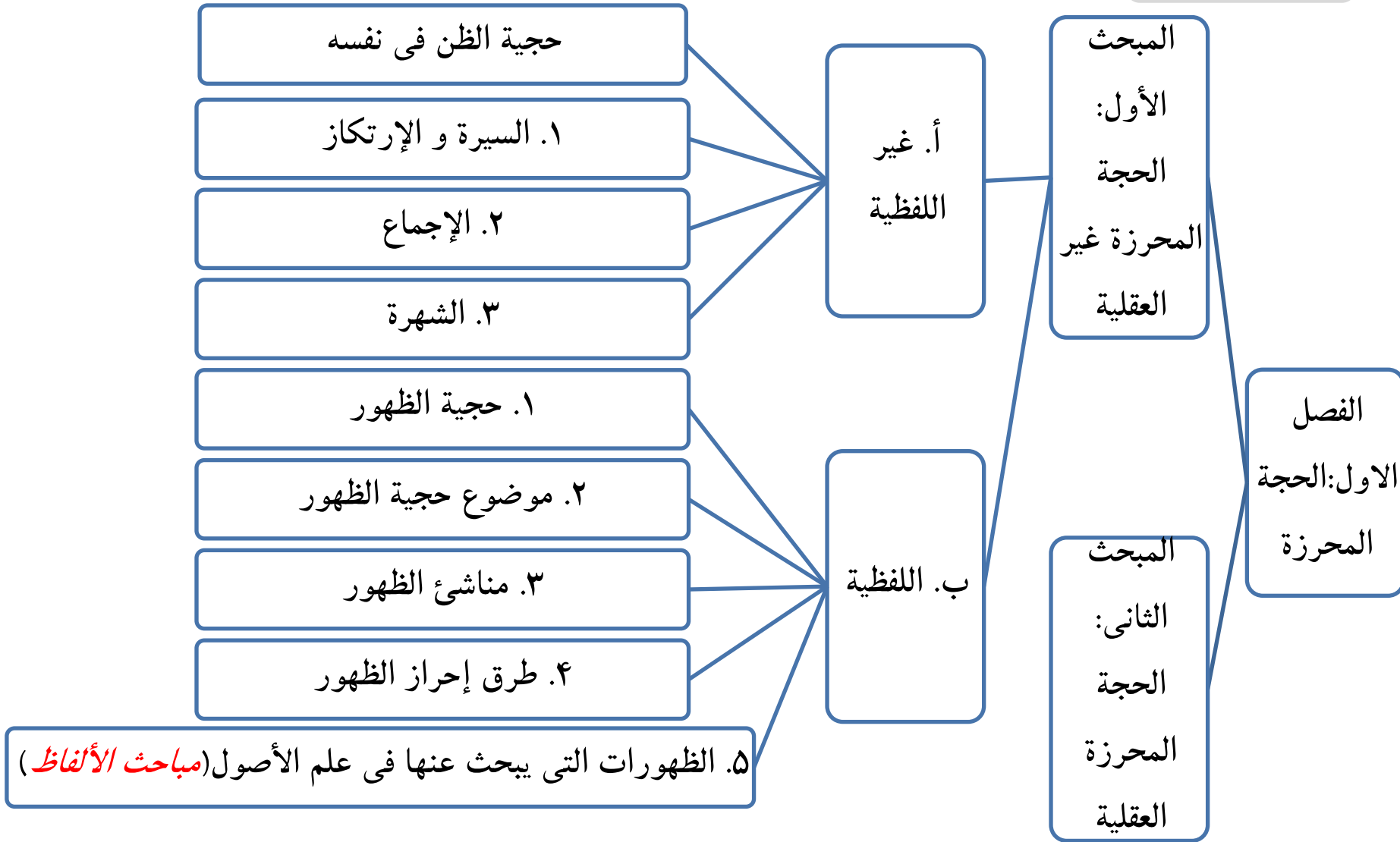
• وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (٢٧)

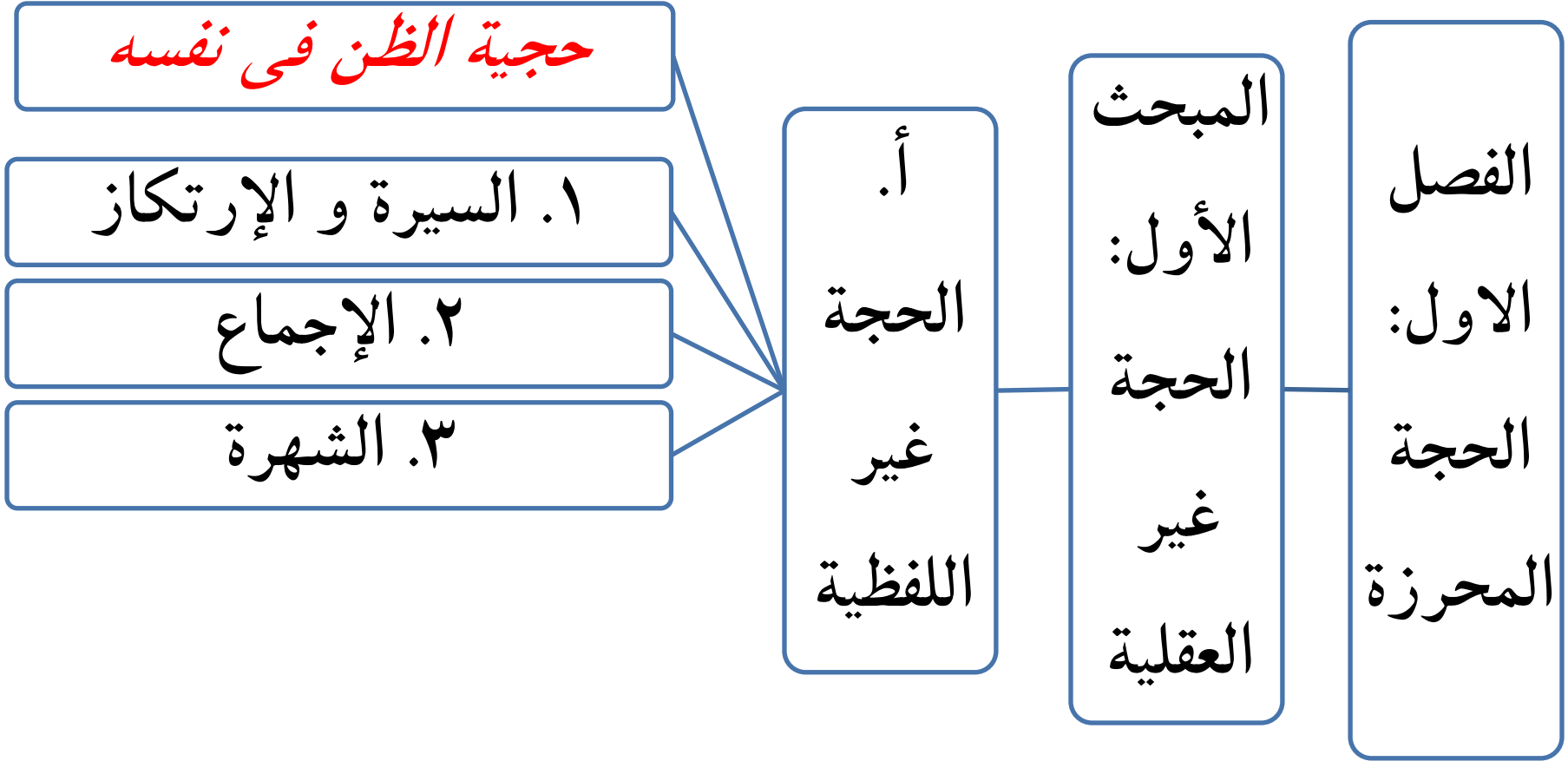
علم أصول الفقه

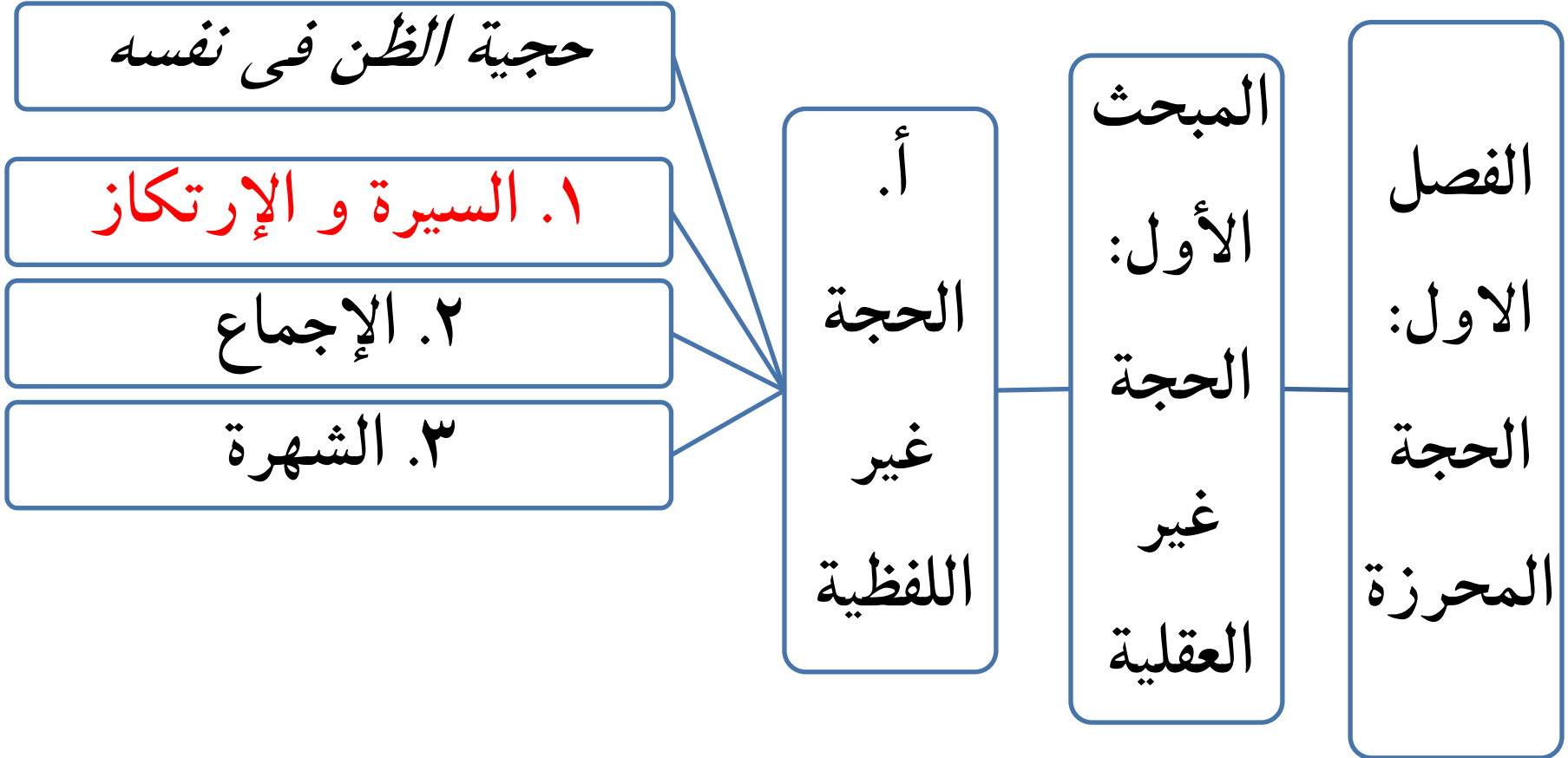


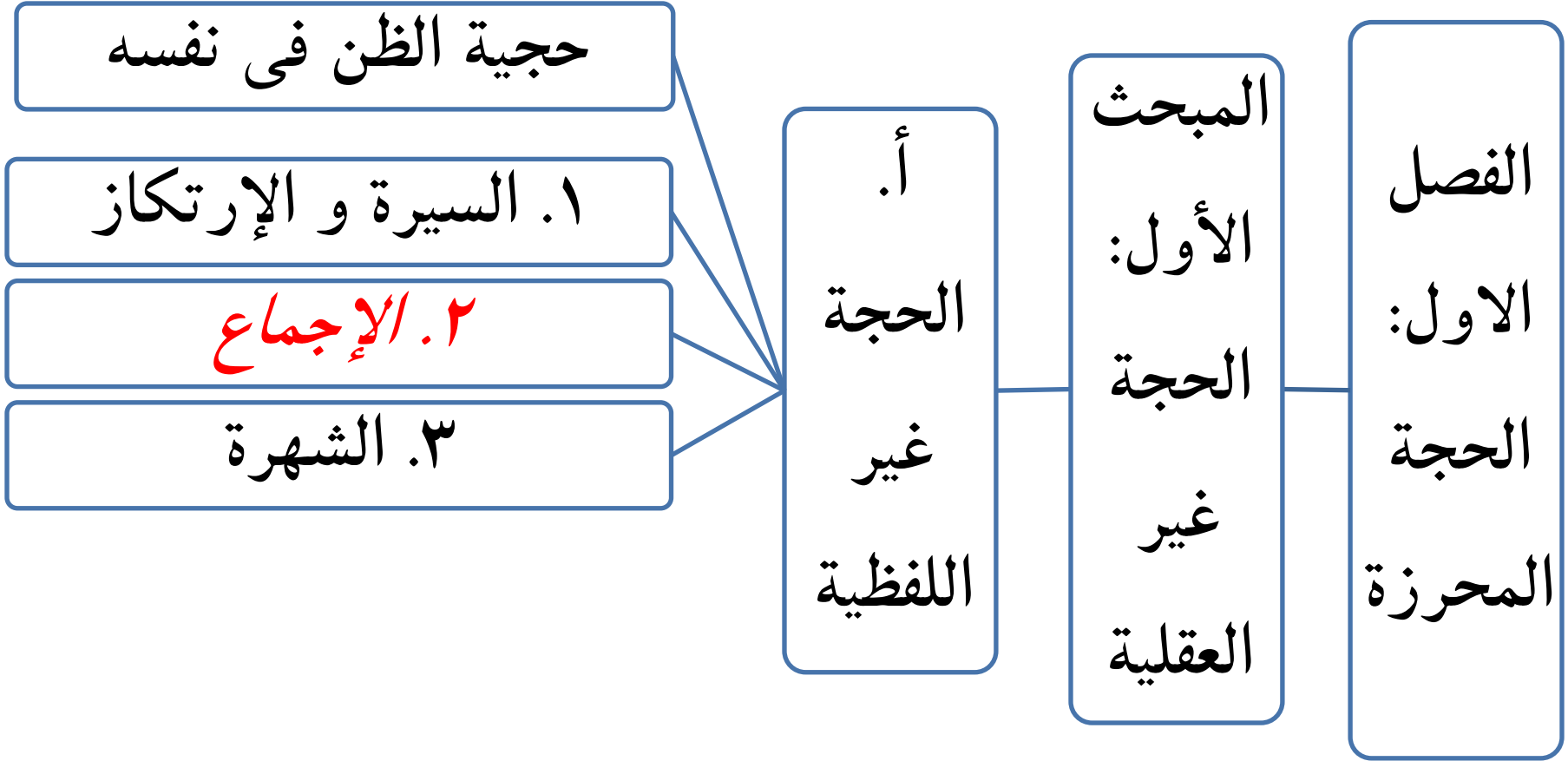
ترتيب اصول متعارف











آیا این اتفاق
نظر فقہا
برای ما
حجت است؟

اتفاق نظر
فقہا در فتوا

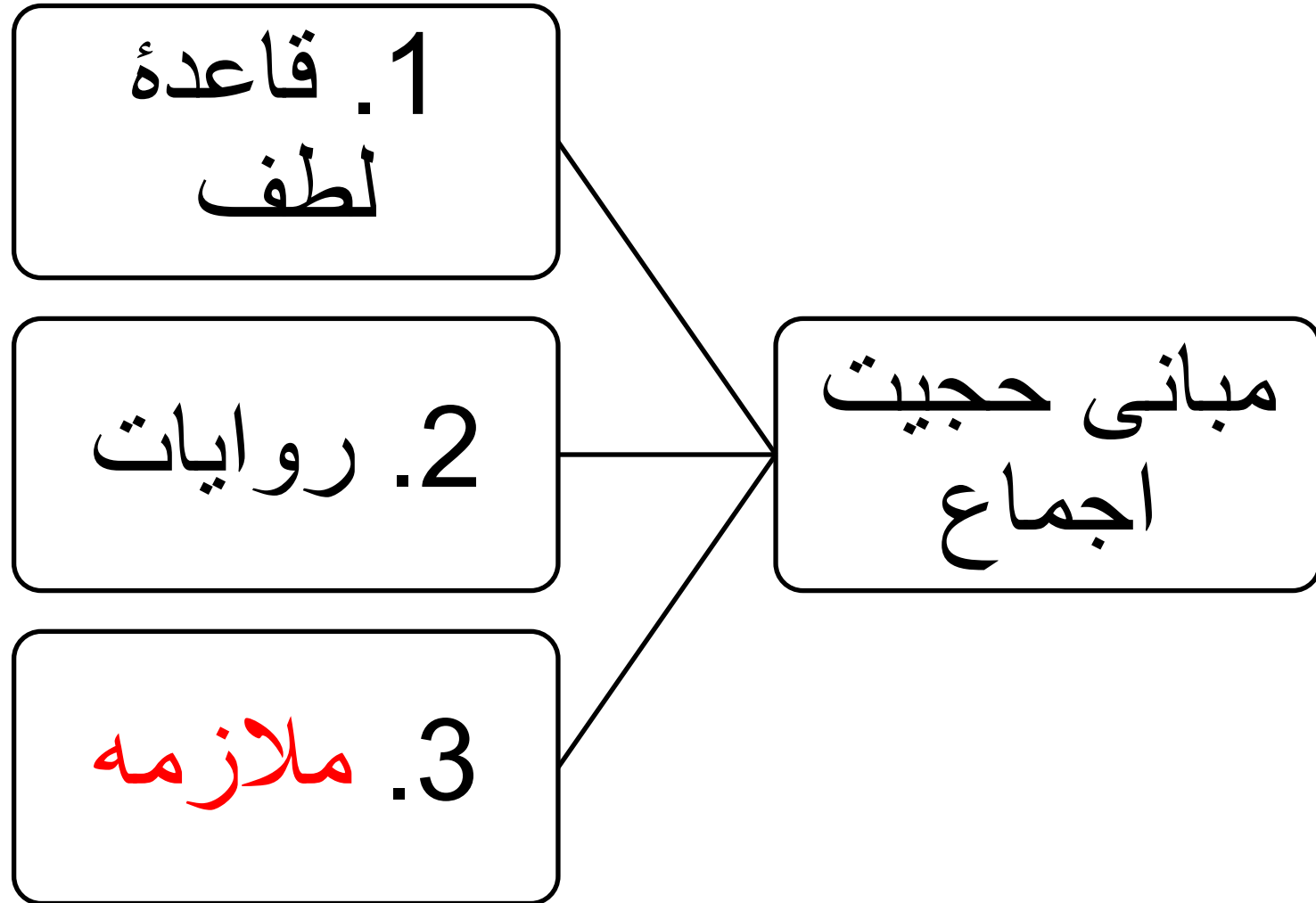
اجماع

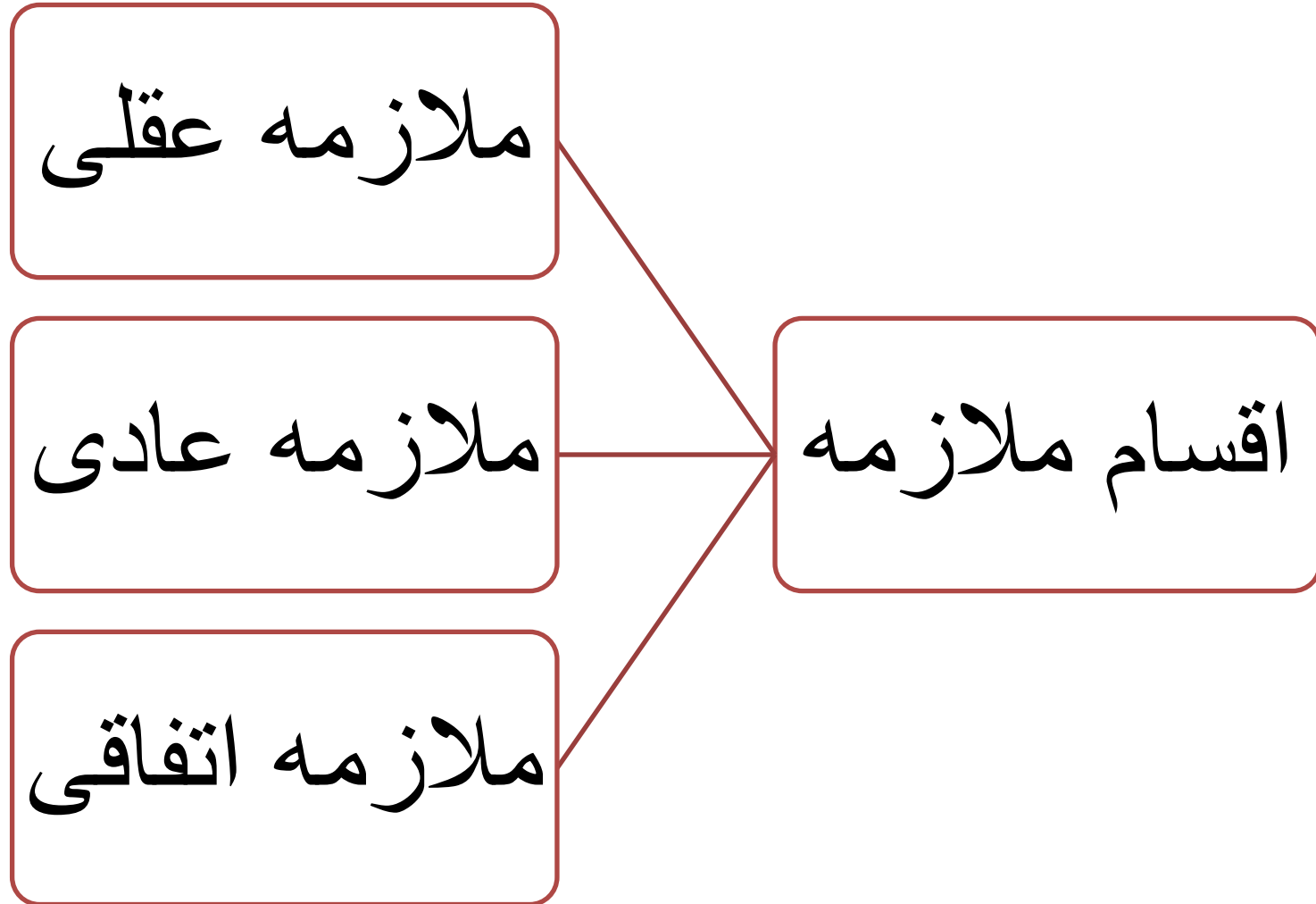
ملاک حجیت اجماع در نظر شیعه

کاشف قطعی از
رای معصوم

اجماع حجیت

مبانی حجیت در اجماع بسیط





بين لازم و ملزوم
تلازم عقلي باشد

ملازمه عقلي

- **تواتر** یعنی تعداد زیادی مخبر مطلبی را برای ما نقل می‌کنند.
- **صدق** خبر متواتر یعنی مطابقتش با واقع
- **بین تواتر و بین صدق** خبر متواتر ملازمه **عقلی** هست.

- شهيد صدر - رضوان الله عليه - بر اين مثال اشكال مي كند؛ ولي اصل كبرى يعنى اينكه ملازمة عقلی وجود دارد، درست است.

انفكاك لازم از
ملزوم در نظر
عقل محال نیست؛
امّا عادتاً و به
مقتضای
طبیعتشان، بینشان
تلازم وجود دارد.

ملازمه عادی

پیری ظاهری
(لازم)

طولانی شدن عمر
(ملزوم)



اقسام ملازمه

- شهید صدر - رضوان الله عليه - به رابطه طولانی شدن عمر و پیری ظاهری مثال می زنند و می گوید عقلاً محال نیست که کسی ۱۰۰ ساله باشد؛ لیکن ظاهر یک جوان ۲۰ ساله را داشته باشد؛ یعنی عوارض و نشانه های پیری مثل سفید شدن محاسن، ضعیف شدن توانایی های جسمی در او ظهور پیدا نکرده باشد؛ ولی عادتاً هر کسی سنش بالا می رود، به تناسب بالا رفتن سن نشانه های پیری در وی ظاهر می شود.

انفکاک لازم و
ملزوم استحاله
عقلی و عادی
ندارد، بلکه به
صورت اتفافی در
یک جا جمع
شده اند.

ملازمه اتفافی

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- ملازمه بین اجماع و وجود یک حجت که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، اتفاقی است.

- تعبیر حدس که در اجماع حدسی می گویند، ناظر به همین نوع ملازمه است.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- در مقابل گفته‌اند ملازمه بین **تواتر** و **صدق، عقلی** است؛

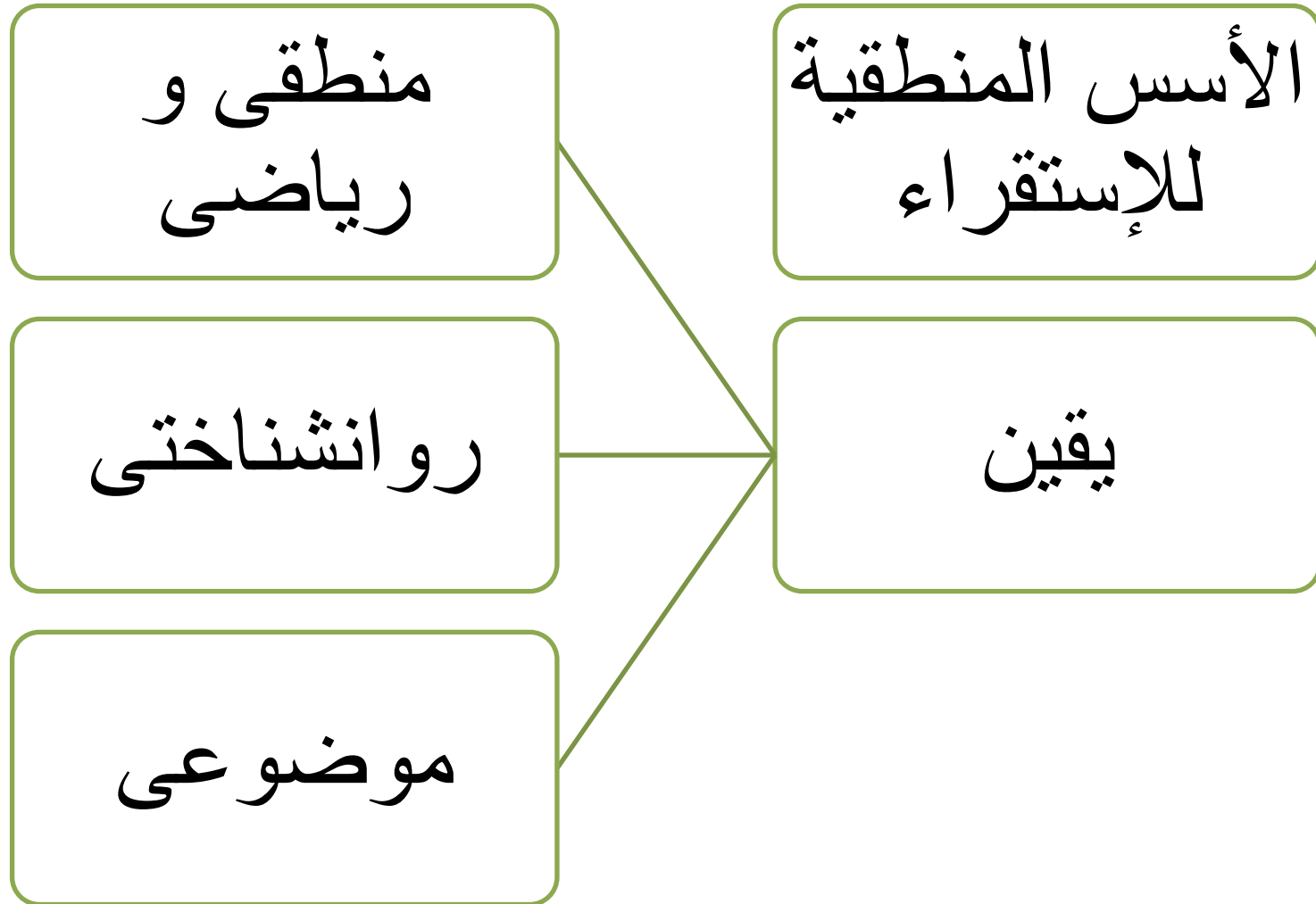
عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- شهید صدر
- بین **تواتر** و صدق ملازمه عقلی وجود ندارد
- معیاری که باعث حجیت **تواتر** می شود و **صدق** مطلب متواتر را از طریق آن کشف می کنیم، همان **حساب احتمالات** است که نوعی ملازمه **عادی** را به دنبال دارد.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- شهید صدر
- اجماع هم همین طور است
- ملازمه بین **اجماع** و **وجود یک حجت** که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، **عادی** و بر اساس **حساب احتمالات** است.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع



عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

1. میزان حدسی یا حسی بودن

2. مصب اجماع و تواتر

3. تأثیرپذیری ناقلین یا مجمعین از یکدیگر

4. تعداد عوامل خطا

تفاوت اجماع و تواتر
در بحث حجیت

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

الف. ساده یا پیچیده بودن مسأله

ب. فاصله زمانی فقیه با روزگار معصومین - علیهم السلام -

ج. میزان تخصص مجتهد

عوامل افزایش یا کاهش دخالت حس در فتوا

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- عوامل افزایش یا کاهش ارزش احتمالی فتوا

$$\text{ارزش احتمال مطابقت فتوا با واقع} = \frac{\text{میزان تخصص فقيه}}{\text{میزان احتیاج مسأله به قواعد اصولی و اجتهادی} \times \text{قرنی که فقيه در آن زیسته است}}$$

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- فرض کنید میزان تخصص فقیهی **بیست** باشد و همچنین در قرن **چهارم** و نزدیک به زمان معصوم - علیه السلام - زندگی می کرده است و مسأله‌ای که در آن فتوا داده است، فقط به **دو** قاعده اصولی احتیاج دارد. ارزش احتمالی فتوای این فقیه می شود:

$$2/5 = \frac{20}{4 \times 2}$$

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- می‌توانید همین فقیه را با فقیه دیگری مقایسه کنید که میزان تخصصش از آن فقیه قبلی پایین‌تر و مثلاً ده باشد و در قرن پنجم می‌زیسته است و مسأله به چهار قاعده نیاز دارد. ارزش احتمالی فتوای چنین فقیهی می‌شود:

$$0/5 = \frac{10}{5 \times 4}$$